





موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

معرفی کتاب

# چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟

## ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر

توسط: مسعود افشاری مفرد

دی‌ماه ۱۳۹۸



**نوشته: دارون عجم اوغلو (استاد اقتصاد دانشگاه MIT) و جیمز ای. رابینسون (استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو)**

**ترجمه: محسن میر دامادی و محمد حسین نعیمی پور**

**مقابله متن: سید علیرضا بهشتی شیرازی**

**انتشارات: روزنه**



**اولین انتشار: سال ۲۰۱۲ توسط Crown Publishing Group**

**امتیاز Goodreads: ۴.۱ از ۵**

کتاب «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» به پرسشی پاسخ می‌دهد که  
قرن‌ها متخصصان را درمانده کرده است. **چرا برخی کشورها ثروتمند و  
برخی دیگر فقیرند** و به واسطه ثروت و فقر، سلامتی و بیماری، غذا و  
قحطی از یکدیگر مجزا می‌شوند؟»

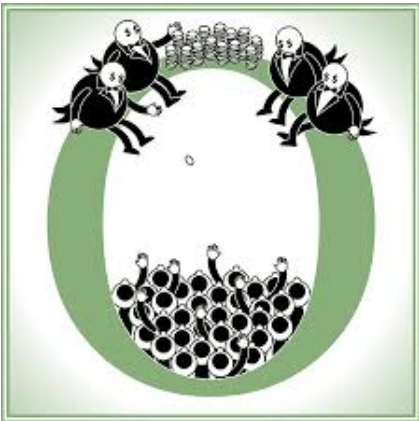
**آیا این امر ناشی از فرهنگ، آب و هوا یا جغرافیاست؟ شاید جهل و غفلت از سیاست‌های صحیح علت ناکامی‌هاست؟  
چرا روآندا تبدیل به یکی از کشورهای شده است که سریعترین  
رشدها را در جهان دارند، در حالی که سایر کشورهای آفریقایی  
همچون زیمبابوه، کنگو، سومالی و سیرالئون در ورطه فقر و  
خشونت گرفتار آمده‌اند؟**

**این کتاب نشان می‌دهد که این نهادهای اقتصادی و سیاسی ساخته دست بشرند که شالوده موفقیت اقتصادی (یا فقدان آن) را می‌سازند.**

بر اساس محتوای کتاب، شرط توسعه گذر از نظام  
الیکارشی یا اندک سالاری و حرکت به سمت  
نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر می باشد.

موضوع اصلی توسعه  
توانمندسازی ملت‌ها  
است





❖ نویسنده مقدمه: احمد میدری

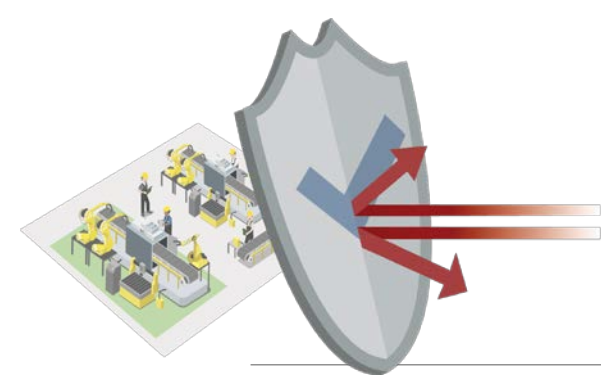
❑ **دوراهی سیاستمدار؛** علت شکست کشورها: حفظ قدرت (از طریق قربانی کردن منافع عمومی) یا تأمین منافع عمومی و از دست دادن تدریجی قدرت؟

❑ سقوط ملت‌ها؛ همگی محصول **اندک‌سالاری** است

❑ گریز از این پرتگاه، تنها با **هشیاری و توانمندی مردم** امکان‌پذیر می‌شود.

❑ علت ماندگاری و پایداری اندک‌سالاری در جهان از نظر نورث، مسئله **امنیت** است: تأمین‌کنندگان یا برهم‌زنندگان امنیت، تبدیل به قدرت‌مندترین گروه در اجتماعات بشری می‌شوند.

❑ پاداش حفظ امنیت، **تملک انحصارگونه منابع قدرت سیاسی و ثروت** است.



- تا زمانی که **گروهی محدود** می توانند **امنیت** یک جامعه را برهم بزنند یا تأمین کنند، آن‌ها اجازه نخواهند داد رقابت در اقتصاد و سیاست شکل گیرد.
- اندک سالاری به دو شکل است: **مونارشی (سلطنت)** و **الیگارشی (حاکمیت اقلیت)**
- **کنترل مدنی نیروهای امنیتی**، مهم‌ترین مسئله توسعه است.
- به میزان **ضعف جامعه مدنی**، **فراستان** با تکیه بر **نیروهای امنیتی جامعه** را به سوی اندک سالاری سوق می‌دهند. **مسئله اصلی**، **قدرت جامعه مدنی** است.
- **چگونگی توانمندسازی**: سازوکارهایی مانند **آموزش**، **گسترش اطلاعات** از طریق **رسانه‌های آزاد**، **شرکت** در سازمان‌های **مردم‌نهاد** و **حضور احزاب** در فضای سیاسی

عنوان	فصل	عنوان	فصل
موانع توسعه	۸	پیش درآمد	مقدمه
توسعه معکوس	۹	خیلی نزدیک، خیلی متفاوت	۱
پراکندگی رفاه	۱۰	نظریه‌هایی که جواب نمی‌دهند	۲
چرخه تکاملی	۱۱	تولید فقر و غنا	۳
چرخه شوم	۱۲	تفاوت‌های کوچک و برهه‌های سرنوشت‌ساز	۴
امروزه چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟	۱۳	رشد تحت سلطه نهادهای استثماری	۵
درهم شکستن قالب	۱۴	جدایی	۶
فهم فقر و غنا	۱۵	نقطه عطف	۷



# فصل اول: خیلی نزدیک، خیلی متفاوت

■ شهر نوگالس: مرز آمریکا و مکزیک، خدمات عمومی، امید به زندگی بالای ۶۵ سال، امنیت، انتخابات و ... در شمال و درآمد سرانه یک سوم، پایین بودن سطح تحصیلات، نرخ بالای مرگ و میر نوزادان و ... در جنوب

■ علت: تفاوت نهادها

■ داستان اسپانیایی‌ها و آمریکای جنوبی: دواکش اسپانیول

- حمله، دستگیری سران قبائل، اخذ ثروت آنها در قبال جانشان (و زنده سوزاندن در صورت مقاومت)، تقسیم مردم در میان سران اسپانیایی و بیگاری
- شکست در بوینس آیرس (به معنی هوای خوب) و موفقیت در پاراگوئه

# فصل اول: خیلی نزدیک، خیلی متفاوت

انگلستان: دیررسیده و ته مانده سفره

عدم موفقیت مدل اسپانیایی در ویرجینیای آمریکا: اجبار به کار کردن انگلیسی‌ها، فقدان طلا در ویرجینیا (موهبت فقدان منابع)، ارسال مهاجران برای کار، کمبود نیروی کار، زیرباز نرفتن مهاجران برای بیگاری و درخواست مشوق و حقوق

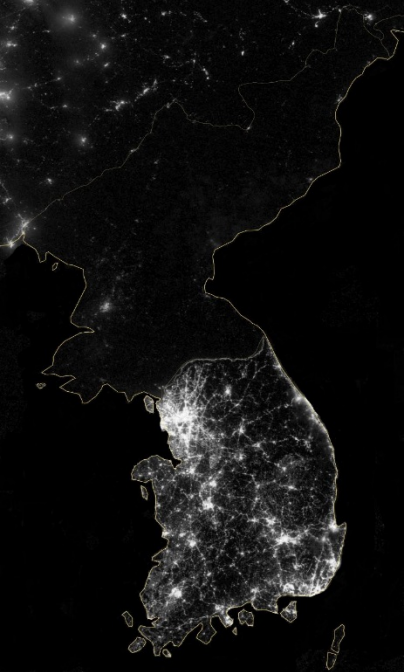
نتیجه: دو قانون اساسی متفاوت در آمریکا و مکزیک

# فصل اول: خیلی نزدیک، خیلی متفاوت

## جمع بندی:

- ما در دنیایی نابرابر زیست می کنیم.
- در کشورهای پیشرفته، مردم در **جاده های بدون دست انداز** رانندگی می کنند!
- نهادها (مانند حق مالکیت) انگیزه هایی کاملاً متفاوت برای مردم ایجاد می کنند و سبب شکست یا موفقیت ملت ها، **نهادها** هستند
- این سیاست و نهادهای سیاسی است که داشته های یک ملت را در زمینه های اقتصادی رقم می زنند
- الگوی کنونی نهادها در هر کشور، عمیقاً از گذشته آن سرزمین نشأت می گیرد (**وابستگی به مسیر**)

# فصل دوم: نظریه‌هایی که جواب نمی‌دهند



**جغرافیا / فرهنگ:** شمال و جنوب نوگالس و کره یا شرق و غرب آلمان

**غفلت:** ندانستن چگویی ثروتمند کردن کشورها توسط حکام؛

▪ پروژه کمپوت انبه در بخشی از غنا که در آن محصول انبه وجود ندارد!

▪ علت: خرید حمایت سیاسی، علیرغم تأکید مشاوران اقتصادی به عدم اجرای طرح (حاکمان به اشتباه یا از روی جهل، راه نادرست را انتخاب نمی‌کنند، بلکه عامدانه به این راه می‌روند)

دستیابی به **موفقیت اقتصادی**، منوط به حل برخی **مشکلات پایه‌ای سیاست** است.

علم اقتصاد تا کنون قادر نبوده است توضیح قانع‌کننده‌ای در مورد نابرابری جهانی بیابد؛ زیرا تا کنون مسائل سیاسی را حل شده فرض می‌کرد.

# فصل سوم: تولید فقر و غنا

- تفاوت کره شمالی و جنوبی: نهادهای اقتصادی فراگیر (Inclusive)
- نهادهای اقتصادی فراگیر، نهادهایی هستند که اجازه مشارکت گروه بزرگی از مردم را در فعالیت‌های اقتصادی فراهم و آنها را تشویق می‌کنند تا از استعدادها و مهارت‌هایشان بهترین استفاده را ببرند و قدرت انتخاب داشته باشند.
- نهادهای اقتصادی فراگیر برای فعالیت‌های اقتصادی، رشد بهره‌وری و توسعه رفاه، انگیزه فراهم می‌کنند.
- تضمین حقوق مالکیت امری محوری است.
- نهادهای اقتصادی فراگیر زمینه را برای به کار افتادن دو موتور دیگر بهروزی اقتصادی فراهم می‌آورند: آموزش و فناوری
- رشد اقتصادی پایدار، تقریباً همیشه با پیشرفت‌های فناورانه که بهره‌وری را بالا می‌برد همراه بوده است.



# فصل سوم: تولید فقر و غنا

- ❑ نهادهای سیاسی فراگیر، نهادهای سیاسی استثماری (Extractive)
- ❑ تحت سیطره نهادهای سیاسی مطلقه (تعریف قدرت در حلقه‌های محدود و به صورت غیرمشروط)، هر کس حکومت را در دست بگیرد، قادر است به هزینه جامعه، نهادهای اقتصادی را در خدمت افزایش ثروت و قدرت خویش قرار دهد.
- ❑ طیف قدرت سیاسی از هرج و مرج (مانند سومالی) تا کثرت گرایی (ایالات متحده و کره جنوبی) و قدرت مطلقه (مثل کره شمالی)
- ❑ مشخصه دولت از دید وبر: داشتن حق انحصاری برای اعمال خشونت در جامعه
- ❑ نهادهای سیاسی فراگیر: نهادهای سیاسی که به میزان متناسبی متمرکز و کثرت‌گرا هستند
- ❑ نهادهای سیاسی استثماری، نهادهای اقتصادی استثماری را به همراه دارند و این تسلسل باطل ادامه می‌یابد.

# فصل سوم: تولید فقر و غنا

- ملت‌ها زمانی شکست می‌خورند که دارای نهادهای اقتصادی استثماری پشتیبانی‌شده توسط نهادهای سیاسی استثماری هستند.
- ریشه مخالفت با نهادهای اقتصادی فراگیر، غالباً ترس از تخریب خلاق است. مانند انقلاب صنعتی در انگلستان، اطیش و روسیه که منفعت زمین داری را از بین می‌برد.
- حاکمان مستبد، داوطلبانه نهادهای سیاسی را تغییر نمی‌دهند، تنها راه تغییر، مجبور کردن آنان به ایجاد نهادهای متکثر است.
- حتی در نهادهای سیاسی استثماری هم می‌توان به توسعه نسبی دست یافت اما رشد پایدار نخواهد بود، مثل جزایر کارائیب در فاصله قرون شانزدهم تا هجدهم یا کره جنوبی در زمان ژنرال پارک

# فصل چهارم: وزن تاریخ

- تأثیر طاعون بر کاهش نیروی کار کشاورزی در انگلستان و افزایش دستمزدها و حقوق کارگری
- نتایج عکس در شرق اروپا!
- در نقاط عطف تاریخی، تفاوت‌های کوچک نهادی، نتایج مهمی به بار می‌آورد؛ مثلاً حقوق مالکیت فکری در انگلستان (ثبت اختراع جیمز وات و ۳۵ سال حق بهره‌برداری)
- هیچ دو جامعه‌ای، نهادهای یکسان به وجود نمی‌آورند
- قانون آهنین اندک‌سالاری: جایگزینی یک دیکتاتور با دیکتاتوری دیگر، مثل بسیاری از کشورهای آفریقایی، تاریخ مملو از انقلاب‌های سیاسی ناموفق است.
- شکست امروز ملت‌ها، عمیقاً تحت تاثیر تاریخ نهادی آنها قرار دارد.

# فصل پنجم: رشد تحت سلطه نهادهای استثماری

- رشد تحت نهادهای استثماری، نوآوران و همراه توسعه فناوری نخواهد بود، بلکه **مبتنی بر فناوری‌های موجود** است؛ مثال شوروی.
- نهادهای استثماری به دو دلیل نمی‌توانند تغییرات فناورانه پایدار ایجاد کنند: (۱) نبود محرک‌های اقتصادی و (۲) مقاومت طبقه حاکم در برابر چنین تغییراتی
- سازمان برنامه‌ریزی شوروی (گوسپلن)، در عمل تلاش می‌کرد تا از تصمیم‌گیری اجتناب کند. اگر تصمیم بد می‌گرفت، ممکن بود تیرباران شوی! بهتر بود هیچ‌گونه مسئولیتی نپذیری!
- تحلیل صرف اقتصادی، بدون توجه به جنبه‌های دیگر، مثل تحرکات آمریکا و سایر عوامل خارجی، تا چه حد قابل استناد است؟ **مثلاً افغانستان؟**

## فصل ششم: جدایی

---

- رشد اقتصادی و نیز تحت فراگیر شدن نهادهای سیاسی، متضرر شدن طبقه حاکم، مهر و موم کامل شورا نسبت به ورود تازه واردان از طریق اعمال ضوابط ورود و شروع افول (ملی کردن تجارت و ایجاد انحصار، اخذ مالیات سنگین و ...)
- نهادهای فراگیر می توانند معکوس شوند و هیچ روند ساده‌ای برای انباشت اصلاحات نهادی وجود ندارد

# فصل هفتم: نقطه عطف

- مقاومت الیزابت اول در مقابل اختراع ماشین بافندگی به علت ترس از بیکاری مردم فقیر
- نوآوری فناورانه جوامع بشری را ثروتمند می‌سازد اما مستلزم جایگزینی کهنه با نو و نابودی امتیازات ویژه اقتصادی و قدرت سیاسی برخی افراد نیز هست
- اختراع ماشین بخار توسط پاپن در آلمان ۵۵ سال قبل از وات، اتصال آن به یک قایق و حمله به قایق توسط قایقرانان و نابودی آن
- تخریب خلاق به معنای بازتوزیع نه تنها درآمد، که قدرت سیاسی نیز هست

# فصل هفتم: نقطه عطف

- ترکیب نوآوری‌های فناورانه و سازمانی، سرمشقی از پیشرفت اقتصادی فراهم کرد که اقتصادهای ثروتمند آینده جهان را دگرگون ساخت.
- جامعه انگلیسی پس از انقلاب شکوهمند، از طریق عریضه‌نویسی برای پارلمان قدرت اثرگذاری داشتند و از این قدرت خود استفاده می‌کردند
- شروع انقلاب صنعتی از انگلیس، به علت نهادهای اقتصادی فراگیری بود که از نهادهای سیاسی فراگیر نشات می‌گرفتند.

## فصل هشتم: موانع توسعه

- از اختراع ماشین چاپ در سال ۱۴۴۵ تا استفاده از آن در امپراتوری عثمانی، ۲۸۰ سال طول کشید که آن هم تحت نظارت چند عالم دینی. در سال ۱۸۰۰ احتمالاً تنها ۲ تا ۳ درصد شهروندان عثمانی باسواد بودند، حال آن که در انگلستان ۶۰٪ مردان و ۴۰٪ زنان بالغ می‌توانستند بخوانند و بنویسند.
- **حکومت مطلقه و فقدان یا ضعف تمرکز سیاسی**، دو مانع متفاوت در مقابل گسترش صنعت هستند، هر دوی آنها به واسطه ترس از **تخریب خلاق** هستند.
- مثال: گاواهن در کنگو؛ مردم می‌دانستند هر چه بیشتر تولیدکنند، به وسیله پادشاه مستبد مصادره می‌شود. یا راه‌آهن در اطریش-مجارستان از ترس وارد شدن انقلاب
- فقدان مالکیت خصوصی و نااطمینانی از مالکیت زمین در اتیوپی، باعث شده بود هیچ رعیتی هیچ درختی در زمین‌های پادشاه نکارد، چرا که می‌دانست به احتمال زیاد، **وی آن فردی نیست که میوه آن را خواهد چید!**



## فصل نهم: توسعه معکوس

- حضور کمپانی هند شرقی هلند در جنوب شرق آسیا و تلاش برای انحصار در تجارت ادویه (توسعه کشورهای اروپایی به قیمت عقب افتادگی و کشتار دیگران)
- کشتن ۱۵ هزار نفر در یک جزیره (باندا) به علت فقدان تمرکز قدرت و عدم امکان بهره‌کشی از بومیان و حفظ تعدادی اندک از کشاورزان ماهر
- بسیاری از حکومت‌ها دست از تولید محصولات صادراتی و فعالیت‌های بازرگانی کشیدند تا با خطر کمپانی هند شرقی هلند مواجه نشوند.
- در آفریقا نیز از یک طرف برده‌گیری (از ۱۴۰۰ تا ۱۸۰۷) و از سوی دیگر فروش باروت و اسلحه از جانب اروپاییان، باعث عقب ماندگی بسیاری از کشورها شد.
- با ممنوعیت تجارت برده، برده‌ها در داخل آفریقا، توسط حکام آفریقایی برای تولید محصولات کشاورزی استفاده می‌شدند.

# فصل یازدهم: چرخه تکاملی

- علت پایداری فراگیری نهادها در انگلیس: پخش شدن قدرت بین گروه‌های متعارض و ترس از بازگشت پادشاهی مطلقه
- در این کشور، تقاضای توده‌ها، صرفاً رای دادن نبود، بلکه آنان می‌خواستند برای دفاع از منافع خود، جایگاهی در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند.
- نهادهای سیاسی فراگیر و نهادهای اقتصادی شکل‌گرفته حاصل از آن (با بالابردن درآمد طبقه متوسط و از بین رفتن منافع بسیاری از افراد جامعه در صورت از بین رفتن نهادهای فراگیر)، یکدیگر را تقویت می‌کنند.
- اگر نهادهای سیاسی و اقتصادی کثرت‌گرا باشند، **عوااید قبضه قدرت** نیز کاهش می‌یابد.
- نهادهای فراگیر، به **خودی خود** ایجاد نمی‌شوند و در خلال برهه‌های سرنوشت‌ساز تاریخی شکل می‌گیرند.

# فصل سیزدهم: امروزه چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟

- امروزه ملت‌ها بدین علت شکست می‌خورند که نهادهای اقتصادی استثماریشان انگیزه‌های مورد نیاز برای پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و نوآوری را در مردم به وجود نمی‌آورند.
- نهادهای استثماری، راه را برای شکست کامل دولت هموار می‌کنند.
- داستان کلمبیا، آرژانتین، ازبکستان و مصر (خصوصی‌سازی و نهنگ‌ها)
- آنچه میان ملت‌های شکست خورده مشابه است، نهادهای اقتصادی استثماری است. در تمامی این موارد، شالوده این نهادها فرادستانی هستند که نهادهای اقتصادی را در جهت ثروتمند کردن خویش و ابدی ساختن قدرت به هزینه اکثریت جامعه سازماندهی می‌کنند.

# فصل پانزدهم: فهم فقر و غنا

- نظریه ارائه شده در این کتاب پیش‌بینی نمی‌کند.
- بر اساس آن، رشد تحت نهادهای استثماری، همانند چین، پایدار نیست و به احتمال زیاد فروکش خواهد کرد، مگر آن‌که تغییرات در نهادهای سیاسی اتفاق بیفتد.
- مثال: شرکت فولادسازی دای گئوفنگ چین
- فقدان تخریب خلاق در چین
- پیش‌بینی: احتمالاً سطح رشد چین با دستیابی به درآمد متوسط، متوقف خواهد شد
- هیچ دستورالعمل ساده‌ای برای نیل به نهادهای سیاسی و اقتصادی فراگیر وجود ندارد.

# فصل پانزدهم: فهم فقر و غنا

---

- ❑ موفقیت اقتصادی، مهندسی شده نیست، مثل توصیه‌های نهادهای بین‌المللی و استقلال بانک مرکزی
- ❑ ناکامی کمک‌های خارجی به علت مشکلات نهادی و مثال افغانستان

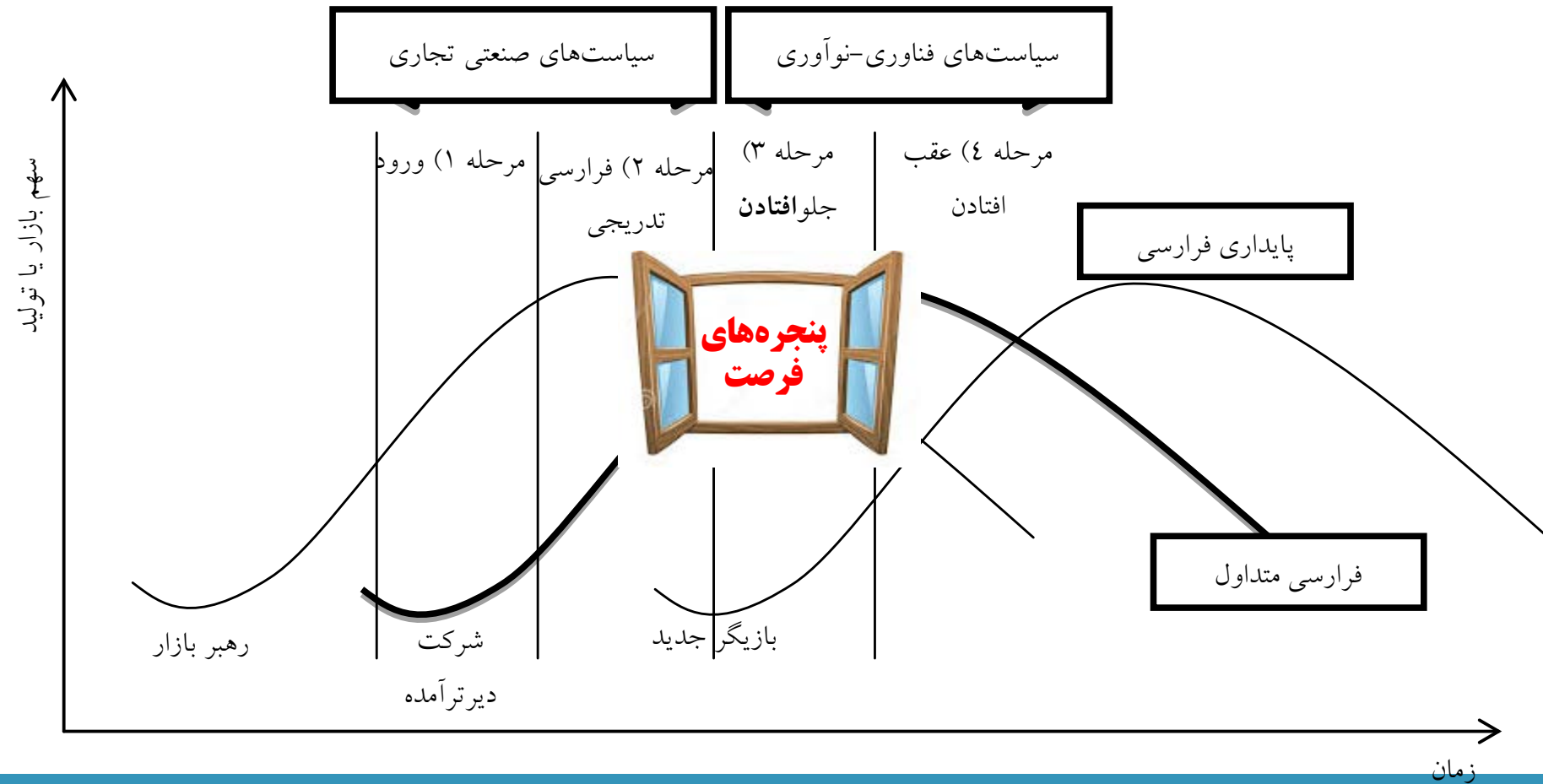
# جمع‌بندی: دموکراسی به مثابه انتقال فناوری

فناوری دارای چهار بعد اصلی است: □

- ❖ سخت افزار: سازمان‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد)
- ❖ نرم افزار: دانش چگونگی و چرایی (علوم انسانی)
- ❖ مغز افزار: انسان‌های توسعه یافته (آموزش)
- ❖ سازمان افزار: ساختار نهادی (قانون، احزاب و رسانه‌های آزاد)



# پنجره‌های فرصت



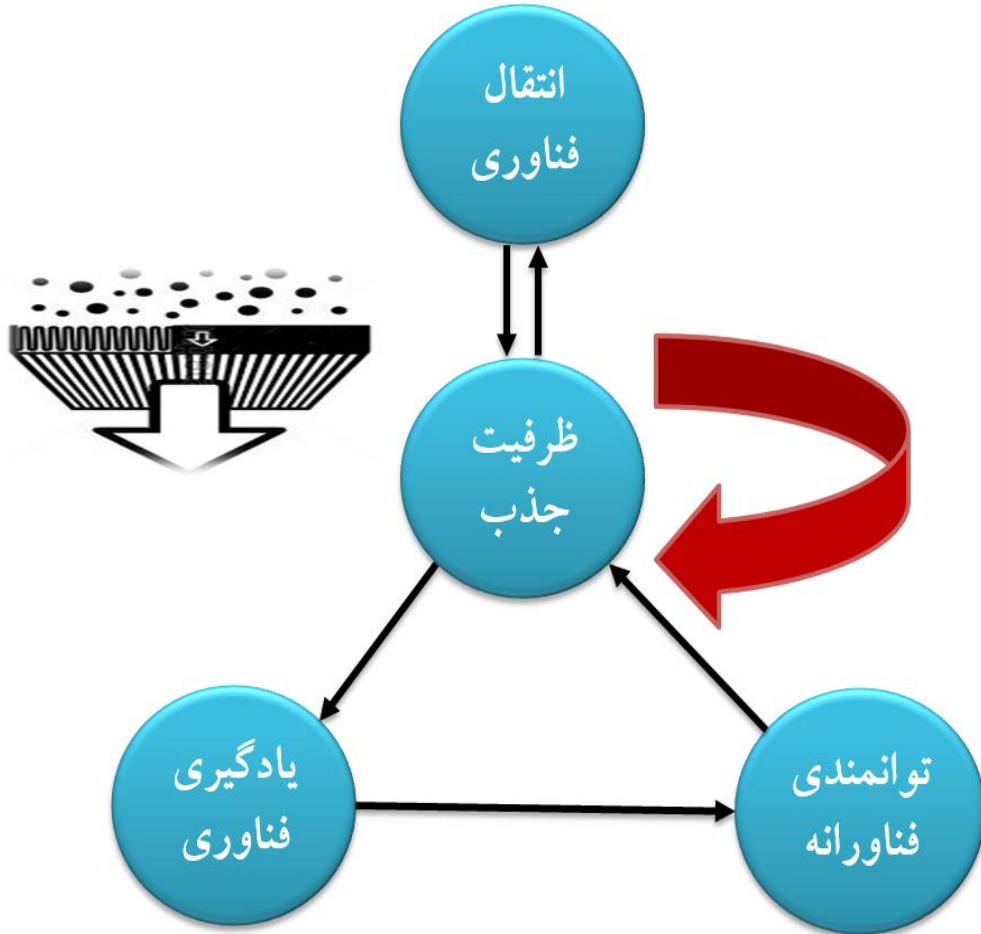
پنجره‌های فرصت:

❖ انقلاب مشروطه

❖ انقلاب اسلامی

❖ گام دوم

# جمع‌بندی: الزامات فرار از شکست ملت



- تدریجی بودن فرایند
- افزایش آمادگی و یادگیری همزمان ملت و حاکمیت
- اهمیت فاکتور شانس